

# نقش الگوها در جذب نوجوانان به نماز

اصغر تقی‌زاده شکیبا

در بررسی راههای جذب دانش‌آموزان به نماز اولین مسئله‌ای که به آن برمی‌خوریم زندگی اجتماعی دانش‌آموز در محیط خانواده، مدرسه، جامعه و همسالان و زندگی سیاسی او (درک مفاهیمی همچون مدیریت، حکومت، سیاستهای اجتماعی) می‌باشد. در این فرآیند دانش‌آموزان در تعامل مستقیم با اطرافیان، خانواده، دوستان، مدیران حکومتی، تربیتی، معلم و مربی، مسجد و روحانیت و تحت تأثیر رفتارها و پیامهای آنان هستند. و منتشهای آنان را تحت نظر دارند و رفتارهای تعبدی و اخلاقی ایشان را پی‌گیری می‌نمایند.

شکسل‌گیری شخصیت معنوی و اجتماعی دانش‌آموزان از همان ابتدا در خانواده و بعد در مدرسه و در مراتب بعدی از طریق دیگران صورت می‌گیرد. بنابراین هر کدام از الگوهای رفتاری مورد توجه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.

یکایک ارزشهای موجود در جامعه و خانواده چه در جنبه‌های مثبت و چه در جنبه‌های منفی شخصیت نوجوان و جوان را پی‌ریزی و در نگرش مثبت یا منفی او نسبت به محیط اطراف خود نقش مهمی را ایفا خواهد کرد.

تربیت و پرورش فرزندان سالم از حیث اعتقادی و منشهای پسندیده در گرو توجه کافی به مسائل محیطی و رفتاری است. پدران و مادران، معلمان و مربیان، رسانه‌های جمعی و ارتباطی، صدا و سیما، نقش تعیین‌کننده در ساختار ذهنی و باورهای آنان دارد چنانچه پدر و مادر در خانواده به نقش الگویی خود توجه داشته و در تنظیم روابط خویش با فرزندان همت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله علمی مع علوم انسانی

گمارند، و تقید به اصول اخلاقی و انسانی و بالاخره مذهبی را پیشه خود سازند، بی‌تردید احساس خوب و ارزشمند، پای‌بندی به مسائل معنوی را به فرزندان خود تقدیم نموده‌اند. برخورداری از ایمنی روانی و بدون اضطراب و تشویش و نگرانی در خانواده باعث خواهد شد که کودک و نوجوان بتواند با آسودگی و احساس خوشایند نسبت به درک و انجام امور ارزشی و مورد پسند بزرگسالان و جامعه دست یازد. زیرا او به واسطه انجام این امور در محیط، بازخوردهای مثبت دریافت خواهد کرد و این عمل موجب آن می‌شود که او این بازخوردهای مثبت را بیشتر تجربه کند. تجربه خوشایند و احساس رضامندی از رفتارهای بروز داده شده، کودک و نوجوان را به سوی اهداف و آرمانهای تربیتی جامعه هدایت خواهد کرد و در نتیجه جهت‌یابی وی را به درک هویت معنوی و انسانی میسر می‌نماید.

پس به همان میزانی که رفتارهای سنجیده، الگوها و مسئولان تربیتی در شکل‌گیری معنوی و سجایای انسانی کودک و نوجوان مؤثر است، پدیداری رفتارهای متضاد با آرمانهای اجتماعی، اخلاقی و مذهبی نیز در تخریب این شخصیت و هویت واقعی او مؤثر است.

علمای تعلیم و تربیت معتقدند: «دوره نوجوانی و جوانی دورانی است که در آن بحران هویت بر سازمان روانی فرد چیره شده و نوجوان و جوان تشنه هویت را به جستجو و ارزیابی ارزشهای گوناگون و گاه متضاد هدایت می‌کند. تا در پایان این دوره بحرانی، احساسی از هویت داشتن را برای وی به ارمغان آورد.

هویت هر فرد برآیندی از هویت واقعی، هویت آرمانی، و هویت مورد انتظار است. به تعبیر ریاضی (هویت فرد = هویت واقعی و هویت مورد انتظار) هویت واقعی تصویر از خودی است که کودک و نوجوان از خویشتن واقعی خویش دارد. این تصویر از خود نیز تصویری است که عمدتاً توسط والدین و مربیان به ترسیم درآورده است

که مختص زمان گذشته است. (۱) اما نقش والدین و مربیان به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه این تلاش نظر به آینده‌ای دوخته است که برای ساختنش زمان و هزینه و انرژی بسیاری صرف شده است. این آینده و در نتیجه چگونه شدن را والدین و مربیان به نمایندگی از جامعه در معرض دید نوجوان و جوان قرار می‌دهند که این همان هویت مورد انتظار است. متأسفانه جامعه ما علی‌رغم سازمان و طرح نقشه‌ای که با صرف میلیاردها تومان هزینه و تلاش هزاران انسان متعهد و صادق و دلسوزانه جهت شکل بخشیدن به هویت واقعی و هویت مورد انتظار خیل نونهالان و کودکان و نوجوانان این مرز و بوم دارد، تقریباً هیچ برنامه مدون و از پیش تعیین شده‌ای به



منظور نفوذ غیرمستقیم به هویت آرمانی جوانان و نوجوانان ندارد.

این فقدان استراتژی برای نفوذ در مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین بخش هویتی هر فرد، یعنی هویت آرمانی منحصر به آن می‌شود که بخش اعظم سرمایه‌گذاریهایی فرهنگی ما به هدر رود. استعمار فرهنگی یا آنچه که امروزه به نام تهاجم فرهنگی آن یاد می‌شود میلیون‌ها دلار سره‌ایه‌گذاری در بخش نفوذ به هویت آرمانی میلیون‌ها جوان و نوجوان ایرانی مسلمان دارد. دشمن آگاه و بدخواه با تکیه بر یافته‌های روان‌شناختی امکان‌همانندسازی نوجوان و جوان را با ارائه الگوهای متناقض با الگوهای که برای شکل‌گیری هویت واقعی و مورد انتظار او ساخته‌ایم، در قالب هنر، ورزش، علم و سیاست فراهم می‌آورد و با تکیه بر مکانیزمهای روان‌شناختی مسئله بر سازمان روانی نوجوان و جوان به هریت آرمانی او رنگ و صبغه‌ای کلاه‌آلوده می‌بافت و رنگ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ما می‌دهد که نتیجه آن بروز یانک‌ها و ریب‌ها و غریب‌گرایی و امثال آن است. نکته حساس جلوه‌های گوناگون فقدان هویتی است که همساز با هویت فرهنگی ماست. هویت فرهنگی که خود برآیند هویت مذهبی، هویت ملی، و هویت فردی ما است. (۲)

پس روشن شد که حیات فردی و معنوی یک نوجوان و جوان کاملاً با حیات اجتماعی و سیاسی وی در ارتباط است و نارسایی در هر کدام آنها باعث بروز مشکلات در وجود دیگری خواهد شد. اصولاً به وجود آوردن انگیزشهای قوی و تحریک‌کننده برای ایجاد و یا تغییر رفتار در نوجوان و جوان تابع شرایط خاصی است. زیرا جنبه‌های انفعالی روحیات و گسترده بودن افق فکری در ایشان مسئله را پیچیده‌تر کرد. و مکانیزمهای خاصی را نیز می‌طلبد. علاقه‌مندی نوجوان و جوان به الگوهای چون روحانیون، علما و دانشمندان و صاحبان فضل و اندیشه و همنشینی با آنان نشان از رشد یافتگی و حساسیت در قبال مسائل فرهنگی و اجتماعی است. او به

خوبی دریافت‌شده است که انسان با تکیه بر اصول انسانی و درک مفاهیم اجتماعی و ارزشی در اجتماع می‌تواند جایگاه اصلی خود را پیدا کرده و حفظ نماید. لذا او در تلاش است که با بزرگترها و بزرگسالان ارتباط داشته باشد. اگر بزرگترها و بزرگسالان او را تأیید نکنند بازگشت می‌کند و یا درجا می‌زند» یعنی در رشد عقلانی، عاطفی و اخلاقی نوجوان وقفه ایجاد می‌شود. بنابراین «امکان ملاقات او با کسانی که در یک جامعه به مسائل سیاسی و اجتماعی می‌پردازند باعث رشد اجتماعی و سیاسی او خواهد شد. ترتیب ملاقات با روحانیون، استادان دانشگاه و کلیه کسانی که در خط مشی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه مشارکت دارند باعث پویایی رفتار و بالندگی در نوجوان می‌گردد.

آنچه گذشت تقریباً مقدمه‌ای بود برای ورود به مبحث در هماهنگی حیات سیاسی و اجتماعی انسان با حیات فردی و معنوی او» که در ارتباط با راه‌های جذب دانش‌آموزان به نماز جماعت و تقویت باورهای اعتقادی آنان مطرح شد. مسئولان نظام تربیتی کشور و عناصر دخیل در اجرای کم و کیف مسائل تربیتی که در مدارس مشغول ایفای وظیفه می‌باشند، و الحاق در سالهای اخیر کوشش فراوانی را در آموزش و ایجاد امکانات اقامه نماز جماعت را در مدارس فراهم نموده‌اند؛ بایستی جدیت نمایند که این مهم در قلب و روح دانش‌آموزان رسوخ کرده و در سازمان شخصیتی آنان جای گیرد. و توجه داشته باشند که هرگونه رفتار نسنجیده و حساب نشده می‌تواند تأثیر عمیق و

نامطلوبی را در روند شکل‌گیری شخصیت و هویت معنوی او ایجاد کند و تلاش‌های بعدی را دچار مشکل سازد. علاوه بر این که «نوجوان ویژگی‌های شخصیتی مورد نظر خود را درونی می‌سازد و در سازمان شخصیتی خود پیاده می‌کند».

دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، خصوصاً پرچمداران اقامه نماز در جامعه و مدارس کشور وظیفه‌ی بس خطیر و سنگین و حساسی را بر دوش دارند. و باید کوشش شود که این امر در کمال آرامش و متانت روحی و برخوردارهای حساب شده انجام شود و دانش‌آموزان عزیز این فرصت را پیدا کنند که لطائف و ظرائف معنوی را درک و تجربه کنند و در نتیجه پرورش انسان‌های پارسا و متقنی و مطلوب نظام تربیتی کشور میسر شود.



## الگوهای مؤثر (صاحبان فضل و اندیشه)

پیش از این گفتیم که نوجوان و جوان و حیات اجتماعی او در گرو چگونگی حیات فردی و معنوی و اشاره گردید که تربیت نسل پاک و دارای منشهای الهی و انسانی در شکل‌گیری باورهای اعتقادی وی مؤثر است.

با توجه به اینکه «دوره بلوغ مقارن است با تأثیر روز افزون، جنبه انفعالی در روحيات و موارد گسترش سریع افق فکری، نهادی شدن حیات درونی، فردی شدن رفتار، بیداری جنسی، احساس استقلال، بحران هویت، کوشش برای هم‌شکلی و انجام کارهای بزرگ، تلاش برای مورد قبول واقع شدن، لذا با درک چنین وضعیتی پدید

آوردن یک اندیشه سالم و درست در ذهن و روان نوجوان و جوان از طریق ارائه الگوهای صحیح ضرورت تام دارد.

می‌دانید که گاهی شخصیت‌ها محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهند و گاهی محیط است که بر انسان تأثیر می‌گذارد. در هر حال شخصیت‌های مثبت یا منفی محیطها و محیطهای باشخصیت از عناصری هستند که در شکل‌گیری شخصیت واقعی کودک و نوجوان عمل می‌کنند.

پس از خانواده که اصلی‌ترین سازمان در نهادی و درونی شدن رفتارها برای کودک و نوجوان است و اولین تجربیات زندگی را در اختیارش قرار می‌دهد، مدرسه جایگاه ویژه‌ای دارد. در این سازمان معلم و مربی الگوهایی هستند که بیشترین درصد مقبولیت را در پیش کودک و نوجوان دارد.

بی‌شک گذر از این مرحله در ساختار ذهنی و رفتاری کودک و نوجوان حائز اهمیت است. هوشیاری والدین و مربیان دلسوز و آگاه این امکان را برای دانش‌آموز بوجود خواهد آورد که با همانندسازی، بهترین الگوهای رفتاری را برای خود انتخاب نمایند. بنابراین شرکت فعالانه مدیران و مربیان در عرصه‌های فرهنگی و ترویج ارزشهای انسانی و اخلاقی توأم با عمل شناخت معیارهای فضیلت و انسانهای فاضل را برای نوجوان آسان‌تر خواهد کرد. چنانچه مدیران - معلمان و مربیان همراه دانش‌آموز در نماز جماعت مدرسه شرکت فعال داشته باشند و در اجرای فرامین الهی و مواظبت در رفتار و گفتار خود کوشش نمایند، دانش‌آموز رغبت پیدا خواهد کرد با علاقه‌مندی بیشتر در نماز



حضور یابد. بایستی متوجه این معنا بود که «الگو بودن رهبران دینی، علمی و مذهبی نقش اساسی را در تکوین شخصیت دانش آموزان ایفا می‌کند».

یک تحقیق نشان می‌دهد که ۴۸ درصد کل دانش آموزان نوجوان «اعتقاد والدین خود را به خداوند و عمل به دستورات او را



در جذب فرزندان به نماز مؤثر دانسته‌اند». در یک تحقیق دیگر که ۱۲۵ نفر دانش آموز یک مجتمع آموزشی سؤال شده است ۶۶ درصد از دانش آموزان پسر و ۷۷ درصد از دانش آموزان دختر علت نمازخوان شدن و یا بودن خود را والدین خود ذکر کرده‌اند. که این نشانگر نقش پراهمیت خانواده و الگو بودن آن برای نوجوان و جوان است. والدین یا اولیای مدرسه و مدیران و شخصیت‌های معروف جامعه هر کدام نقش ویژه و حساسی در این مهم دارند. احساس مسئولیت در سازندگی نسل مومن و نمازخوان وظیفه اصلی و واجب و عینی هر فرد مسلمان اعم از والدین و دیگر مربیان و الگوهای جامعه است. آری «آنجا که هستی از آن ارتباط و هماهنگی برخوردار است، آنجا که دنیا راه و کلاس است، یک نگاه، یک لیخند و یک فساد یک فساد نیست که هستی را به فساد می‌کشد و تمام دریاها و دشتها را در خود می‌گیرد.

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ) وقتی که ما کوچکتر بودیم در کنار ساختمانهایی که آجر می‌ریختند به

بازی مشغول می‌شدیم و آجرها را پشت سر هم با فاصله‌های کوتاه می‌چیدیم و ماریپیچ و گرد و خلاصه از شکلهای مختلف، آجر کنار هم می‌گذاشتیم و آنگاه یک آجر را می‌زدیم. ما بیش از یک آجر را نزنده بودیم اما چون آجرها مرتبط و کنار هم و هماهنگ بودند تا آخر می‌افتادند و زمین می‌خوردند. و یک ضربه یک ضربه نمی‌ماند و یک فساد در یک جامعه در یک جا حبس نمی‌شد. در هستی منظم، یک گناه، یک فساد نمی‌ماند و ادامه می‌یابد و کسی که راه بودن و کلاس بودن را احساس کرده دیگر بی‌حساب نمی‌گردد و نمی‌شنود و نمی‌بیند و نمی‌زند» و با همخوانی گفتار و رفتار هستی پاک کودک و نوجوان را به آتش نمی‌کشد.

اگرچه صحبت ما بر سر ارائه الگوهای صحیح برای نوجوان و جوان است تا آنان را نسبت به اقامه فریضه نماز تشویق و ترغیب نماید اما توجه به این نکته نیز قابل تأمل است که حتماً بزرگسالان نیز از این



امر مستثنی نبوده و نیستند. آنان نیز به نحوی متأثر از الگوهای جامعه و رفتارهای الگوها هستند.

یک بررسی نشان می‌دهد که:

«فقدان فضای تشویق مناسب و گاهی برخوردهای نامناسب از سوی برخی از مسئولان و نیروهای مذهبی و احتمالاً

برخی از اوقات برخوردهای شدید در زمینه عدم حضور برخی از مربیان و دبیران به نماز جماعت مؤثر واقع شده است. لذا شایسته است مسئولین اداری و الگوهای اجتماعی شرط حسن برخورد و اعتدال را در رفتارهای خود مراعات نمایند.

باز یک تحقیق نشان می‌دهد که ۲۶/۶۱ درصد کسانی که تمایل به شرکت در نماز جماعت را ندارند به دلیل مشاهده برخوردهای نامناسب از نیروها و افراد مذهبی بوده است».

در هر حال اگر بخواهیم یک حرکت مطلوب در روند جذب دانش آموزان نوجوان و جوان به نماز ایجاد کنیم ناچاریم به اصلاح روشهای برخورد خود و الگوهای رفتاری جامعه بپردازیم و با معرفی الگوهای



شایسته در جهت تقویت باورهای اعتقادی و مذهبی آنان گام برداریم.

اگر بروز رفتار شایسته از نوجوان و جوان مورد انتظار و شاید حق ما باشد باید کوشش شود که رفتار ناشایست و نابخق ما، حق ما را تپاه و ضایع نساند.

«از معاویه بن وهب روایت شده که گفت از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمود، «جویای علم و دانش باشید و با آن با آمیزه حلم و بردباری و متانت و وقار، خویشتان را بیاریید و نسبت به کسی که از او علم و

دانش را درخواست می‌کنید متواضع و فروتن باشید و همچون دانشمندان جبار و اشراف‌منش نباشید. چون طرز رفتار باطل و نابحق شما، حق شما را از میان می‌برد.» امام علی علیه‌السلام نیز در معرفی الگوهای صحیح و شناخت آن به جامعه چنین می‌فرماید:

«می‌خواهید که فقیه و دانشمند واقعی را به شما معرفی کنم؟ او عبارت از کسی



است که مردم را از مهر و رأفت خداوند، نومید نمی‌سازد و در عین حال آنان را به گونه‌ای ارشاد می‌کند که نسبت به عذاب خداوند احساس ایمنی نکنند و به مردم در ارتکاب گناه آزادی عمل نمی‌دهد و قرآن را به دلیل رغبت به غیر قرآن رها نمی‌کند.»

پس محبت و التفات و گشاده‌رویی، حسن خلق و فروتنی و کوشش در تکمیل نفس از مؤلفه‌ها و معیارهای تشخیصی یک الگوی خوب و صالح است. مخلق به اوصاف حمیده و موازین مورد اشاره ما را یاری خواهد کرد که هم الگوی شایسته‌ای باشیم و هم در شناخت و معرفی الگوهای صحیح از آنها بهره بگیریم. کنترل اعمال علما و امراء و رهبران اجرایی جامعه از خرد و کلان که اجرای اندیشه‌های الهی و انسانی و پیاده کردن آرمانهای مکتب به دست آنان رقم می‌خورد، اجتناب ناپذیر بوده و یک واقعیت تمام عیار محسوب می‌شود.

حضور هر یک از افراد فوق در صحنه‌های اجتماعی و بروز رفتارهای سیاسی - اجتماعی و اعتقادی از آن سهم عمده‌ای در شکل‌گیری باورها و ایده‌های جوانان دارد.

باید بدانید آن کسی که جامعه علم در برمی‌گیرد و به عنوان عالم و دانشمند در میان جامعه معرفی می‌شود، مردم به او چشم می‌دوزند تا آنجا که رفتار و گفتار و حتی طرز و فرم ظاهری او را سرمشق و الگوی خود قرار می‌دهند. اگر به خوشنامی شناخته شود در حالاتی شایسته و درخور یک دانشمند از او مشاهده گردد و تواضع و فروتنی را در برخورد با دیگران در پیش گیرد و در اعمال و رفتار خود، دارای خلوص نیت باشد. اوصاف و خصوصیات او به دیگران منتقل می‌شود (و مردم رفتار و گفتار و همه مظاهر خود را با مظاهر وجودی وی هماهنگ و همگام می‌سازند) و در نتیجه خیر و نیکی در جامعه رواج و رونق یافته و اوضاع و احوال زندگانی آنها نظم و سازمان می‌یابد. اما وقتی اوضاع و شرایط زندگانی عالم و دانشمند، واژگونه باشد و رفتار و گفتار ناپسند شیوه و پیشه او باشد قهراً مردم به درجاتی بدتر و



زشت‌تر از او رفتار و گفتارشان را تنظیم می‌کنند. چنین دانشمندی خویشتر را تباه می‌سازد بلکه موجب فساد و تباهی سایر

مردم نیز می‌گردد. اهمیت جرم و گناه یک عالم و دانشمند تباهکار، و مطرود بودن و دوری از حق در همین نکته فوق اشاره شده است. و سخن به همین مقدار برای نشان دادن عظمت گناه و تیره‌روزی دانشمند تباه‌کار و بزهدار کافی و بسنده است. یکی از عرفا گفته است: همه مردم - نسبت به



عالم و دانشمند با وجود علم از مزایای دیگری از قبیل پارسائی و تقوا و صلاح و شایستگی در گفتار و کردار برخوردار باشد (و به کارهای خوب دست یازد) توده مردم دست به اعمالی می‌زنند که مباح و رواست و اگر عالم و دانشمند به اعمال مباح و جائزی دست زند توده مردم دست اندرکار اعمال شبهه‌ناک می‌شوند و اگر عالم و دانشمند مرتکب اعمال شبهه‌ناک گردد، توده مردم مرتکب اعمال حرام می‌شوند و اگر عالم و دانشمند مرتکب محرمات گردد توده مردم کافر می‌شوند و از دین و مبدأ و معاد روی‌گردان می‌شوند.]

### پی‌نوشت:

- ۱- خلاصه مقالات سومین سمپوزیوم تربیت، ص ۲۵
- ۲- همان کتاب، ص ۲۲